

Cengtān and Fulin: The Saljuqs in Chinese Sources

Dilnoza Duturaeva¹

Translation: Mojtaba Khalifeh²

Translator's Abstract

This research investigates the representation of the Seljuk Empire within Chinese historiographical records, addressing a significant gap in current scholarship. While the history of the Seljuks has traditionally been reconstructed through Islamic and Christian primary sources, Chinese accounts remain underutilized due to the complexities of terminology and linguistic barriers. This article analyzes official Song-dynasty chronicles to reinterpret the terms “Sengtān” and “Fulin” in the context of Seljuk political history. By employing a comparative textual analysis and cross-referencing geographical data, the author argues that “Sengtān” refers to the Great Seljuk Empire in Central Asia and Iran. Furthermore, the study contends that “Fulin,” in this specific context, denotes the Seljuks of Rum in Anatolia rather than the Byzantine Empire, a correction that significantly alters our understanding of international relations during this period. The findings reveal that Chinese sources provide invaluable, independent data regarding Seljuk diplomatic embassies, trade networks, and cross-continental interactions—details often missing or obscured in Western and Middle Eastern chronicles. The article concludes that a precise, critical interpretation of Chinese terminology is indispensable for reconstructing the geopolitical landscape of the medieval period. Ultimately, this study demonstrates that integrating Chinese records with traditional historical narratives is essential for creating a more comprehensive, multi-dimensional view of the Seljuk state’s diplomatic activities. This approach not only fills critical informational gaps but also challenges existing historiographical paradigms regarding the scope of Seljuk international engagement.

Keywords: Seljuks, Chinese sources, Sengtān, Fulin, Song Dynasty, Seljuks of Rum, Diplomacy, Political History.

¹ Lecturer in Medieval History at the University of York, England.

² Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature, University of Birjand, Birjand, Iran. mkhalifeh@birjand.ac.ir

Date received: 2025/5/5 Date of acceptance: 2025/8/8



سنگتان و فولین: سلجوقیان در منابع چینی^۱

دلنوزا دُتورایوا^۲

برگردان: مجتبی خلیفه^۴

چکیده مترجم

این پژوهش با هدف واکاوی بازتاب امپراتوری سلجوقی در منابع چینی تدوین شده است. در تاریخ‌نگاری سنتی سلجوقیان، اتکای غالب بر منابع اسلامی و مسیحی بوده و منابع چینی به دلیل پیچیدگی‌های زبانی و اصطلاح‌شناختی، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. این مقاله با بهره‌گیری از وقایع‌نامه‌های رسمی دوره سونگ، تلاش می‌کند ضمن بازخوانی دو اصطلاح مبهم «سنگتان» و «فولین»، جایگاه سلجوقیان را در گزارش‌های دیپلماتیک شرق آسیا تبیین نماید. نویسنده با تحلیل شواهد متنی و انطباق جغرافیایی داده‌ها نشان می‌دهد که اصطلاح «سنگتان» در متون چینی دلالت بر امپراتوری سلجوقی در آسیای مرکزی و ایران دارد، در حالی که «فولین» در این سیاق مشخص، به احتمال بسیار بالا نه به امپراتوری روم شرقی (بیزانس)، بلکه به دولت سلجوقیان روم در آناتولی اشاره دارد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که منابع چینی اطلاعاتی منحصربه‌فرد درباره‌ی هیأت‌های دیپلماتیک، مناسبات تجاری و مسیرهای ارتباطی سلجوقیان ارائه می‌دهند که در دیگر منابع غایب است. نتیجه‌گیری مقاله بر این نکته تأکید دارد که خوانش انتقادی و دقیق اصطلاحات چینی برای فهم روابط قدرت در آسیای مرکزی و غرب آسیا در سده‌های میانه حیاتی است. در نهایت، این نوشتار نشان می‌دهد که ادغام داده‌های چینی با اسناد کلاسیک اسلامی و غربی، می‌تواند

^۳. مدرس تاریخ میانه در دانشگاه یورک انگلستان.

^۴ استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. mkhalifeh@birjand.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۱۷



سنگتان و فولین: سلجوقیان در منابع چینی ۳۳

خلاهای اطلاعاتی موجود در تاریخ سیاسی و دیپلماتیک سلجوقیان را پُر کرده و تصویری جامع‌تر و چندوجهی از این دولت ارائه دهد.

واژگان کلیدی: سلجوقیان، منابع چینی، سنگتان، فولین، سلسله سونگ، سلجوقیان روم، روابط دیپلماتیک.

۱. مقدمه^۲

ترکان سلجوقی، در منابع اسلامی مشهور به غُز، ترکمانان یا السلجوقیه، از طوایف ساکن دشت‌های اوراسیای غربی به حکام یک امپراتوری مسلط بر خاورمیانه و آسیای مرکزی تبدیل شدند. این ترکان هنگامی که در آغاز سده یازدهم [میلادی] به عنوان قدرتی نظامی مهاجرت به سمت غرب را آغاز کردند، از اسلام آوردن آن‌ها مدت زمان اندکی می‌گذشت. پس از تصرف بغداد در ۴۴۶ ه.ق. / ۱۰۵۵ م.، رهبران سلجوقیان برای خود لقب سلطان را برگزیدند و خود را محافظان خلافت تلقی نمودند. طی نیمه سده یازدهم سلجوقیان به طور مداوم قلمرو تحت کنترل خود را گسترش دادند و یک امپراتوری از ماوراءالنهر تا آناتولی، به مرکزیت ایران تشکیل دادند. (برای تأسیس امپراتوری سلجوقی رک: Peacock, 2010; Peacock, 2015)

میراث سیاسی سستی ترکان، که حاکمیت را به مثابه دارایی جمعی خاندان حاکم در نظر می‌گرفت و قلمرو را بین پسران رهبر متوفی تقسیم می‌کرد، امپراتوری سلجوقیان (۵۹۰-۴۳۱ ه.ق. / ۱۱۹۴-۱۰۴۰ م.) را به دولت‌ها و امارت‌های کوچکتر تقسیم کرد. سلجوقیان در پایان سده دوازدهم حاکمیتشان را در نقاط مختلف از دست دادند، به جز در آناتولی که از سوی مورخان مسلمان با عنوان روم از آن یاد شده است. از این رو حاکم سلجوقیان آناتولی (حک: ۷۰۷-۴۷۳ ه.ق. / ۱۳۰۸-۱۰۸۱ م.) در جهان اسلام تحت عنوان سلطان الروم، صاحب الروم یا ملک الروم نامیده می‌شد. (Korobeinkov, 2013, 790)

پژوهش‌ها در باب تاریخ سلجوقیان عمدتاً بر پایه منابع اسلامی و مسیحی استوار بوده است. منابع چینی دست اول و دوم اغلب مورد توجه نبوده‌اند. در حالی که چین همسایه بسیار نزدیک ترک‌ها و منبع کالاهای تجملی بسیار گران‌قیمت در جهان اسلام بود. سلجوقیان در پی برقراری مناسبات سیاسی با سلسله سونگ شمالی (۱۱۲۷-۹۶۰ م.)، چندین فرستاده را به دربار سلطنتی چین گسیل کردند. [منابع] چینی گزارش‌هایی از فرستادگان سلجوقیان بزرگ و سلجوقیان روم، که علاقه‌مند به برقراری مناسبات سیاسی و

تجاری با چین بودند را ثبت کرده‌اند. گزارش‌هایی که در دیگر منابع یافت نمی‌شود. همچنین از طریق این منابع درمی‌یابیم که چه شناختی در جهان چینی نسبت به سلجوقیان وجود داشته است. به علاوه، گزارش‌های اصلی راجع به سلجوقیان، هم‌چون تمام اقوام کوچ‌نشین دیگر، توسط جوامع یکجانشین تابع آن‌ها ثبت شده است و اغلب دیدگاهی غیر قابل درک از این مهاجمان بیگانه ارائه می‌دهند. منابع چینی برداشتی خارج از قلمرو سلجوقیان از آن‌ها ارائه می‌دهد، که می‌تواند این دیدگاه‌های یک‌طرفه را خنثی کند. با این حال، استفاده از منابع چینی نیازمند دقت نظر است؛ زیرا در گزارش‌های این منابع، چینی‌ها کشور خود را مرکز جهان و بیگانگان و حکومت آن‌ها را اغلب به عنوان بربرها و خراجگزار در نظر گرفته‌اند. چینی‌ها واژه‌های مختلفی را برای بیگانگان به کار می‌بردند، واژه‌هایی که اغلب با آن چه بدان نامیده می‌شدند متفاوت بود و می‌توانست معنایی خنثی یا تحقیرآمیز داشته باشد.

چینی‌ها ترک‌ها را با نام مستعار توجوئه (Tujue)، مشتق از واژه ترکی «ترک» («ترکوت») می‌شناختند و از سده ششم تا اواسط سده دهم این واژه را برای آن‌ها به کار می‌بردند.^۳ تغییر مذهب عمده در بین ترک‌ها در جهان چینی انعکاس یافته است و نام‌داری به معنی مسلمانان به عنوان اصطلاحی عمومی برای آن‌ها به کار رفته است. همچنین سلجوقیان به عنوان بخشی از جهان اسلام در نظر گرفته شده‌اند و در منابع چینی اغلب به صورت داری نامیده شده‌اند. در عین حال وقایع‌نامه‌های رسمی چینی اسامی اختصاصی را برای دولت‌هایی که سلجوقیان بنا نهادند به کار برده‌اند: «سنگتان» برای امپراتوری سلجوقیان در آسیای مرکزی و ایران و ماوراءالنهر، و «فولین» برای سلطنت سلجوقیان آناتولی. این مقاله به تحلیل گزارش‌های [منابع] چینی درباره سلجوقیان و نیز تفسیر اصطلاحات چینی به کار رفته درباره سلجوقیان و ارائه ترجمه عبارت‌های مربوط به آن‌ها اختصاص دارد.

۲. امپراتوری سلجوقی در منابع چینی

سونگ شی، تاریخ رسمی سلسله سونگ، که در دوره سلسله یوان توسط گروهی از دانشمندان به سرپرستی توقتوگا (تو تو ۵۶-۱۳۱۴ م.)، مأمور عالی‌رتبه مغول، تألیف شده است، دربردارنده فصلی درباره دولت سنگتان است که تنها در منابع تاریخ سونگ ذکر شده و در تاریخ‌های دیگر دوره‌ها وجود ندارد. (Song shi, 490, 14122-14123;)

(Hirth and Rockhill, 1911: 127,n.4)

سنگتان و فولین: سلجوقیان در منابع چینی ۳۵

فردریش هِرث و ویلیام راک هیل نخستین پژوهشگرانی بودند که تلاش کردند محل سنگتان را شناسایی کنند. آن‌ها حدس زدند که سنگتان همان سینگبا (زنگبار) ذکر شده در *ژو فان ژری* (گزارش‌های مردمان بیگانه) است که توسط ژائو روگوا کارگزار سلسله سونگ (۱۱۷۰-۱۲۲۸ م.) نوشته شده است. (Hirth and Rockhill, 1911, 127,)
n.4) فوجیتا تویوهاچی پژوهشگر ژاپنی (۱۸۶۹-۱۹۲۹ م.) این نظر را رد کرده و چنین فرض کرده است که سنگتان ترجمه چینی لقب اصلی سلجوقیان، «سلطان» است؛ بنابراین به سلجوقیان اشاره دارد. (Fujita Toyohachi, 1936: 222) اخیراً برخی پژوهشگران چینی نیز سعی کرده‌اند سنگتان را در شبه‌جزیره [عربستان] جستجو کنند. (Zhou Yunzhong, 2014: 27-35) با این حال، در پژوهش‌های چینی این واژه در ارتباط با قلمرو سلجوقیان نیز به کار رفته است. (Zhang Xinglang, 1977: 815;) (Chen et al, 1986: 11, 1047, 1046; Lu Yun, 2015: 32)

توصیف سنگتان در سونگ شی، از منابع نخستین دوره سونگ جنوبی اخذ شده است، البته با آن‌ها تفاوت‌های اساسی نیز دارد. یکی از نخستین توصیف‌ها از سنگتان احتمالاً توسط ژو هوی (۱۱۹۸-۱۱۲۶ م.) در اثرش *قینگبو بژی* (Qingboo beizhi) (برخی یادداشت‌های متفرقه از دوره قنگبو) گزارش شده است. ژو هوی کارگزار سلسله سونگ، سال‌ها پس از بازنشستگی در هانگژو نزدیک دروازه قنگبو سکونت داشت. این دروازه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جایگاه‌های ورود کشتی از کشورهای خارجی به شمار می‌رفت. احتمالاً گزارش‌های برجای‌مانده از ژو هوی درباره کشورهای و مردمان بیگانه از بازرگانان، فرستادگان، مترجمان و بسیاری دیگر که از طریق دروازه قنگبو به هانگژو می‌آمدند گرفته شده است:

«سنگتان دولتی همسایه از سرزمین‌های دریای جنوبی است. پایتخت آن بیست لی^۴ از دریا فاصله دارد.^۵ مسیر دریایی در جهت باد موافق ۱۶۰ شبانه‌روز را با عبور از ووکسون [مزوئن]^۶، گولن [کویلون: کولام]^۷ و سَنفوقی [سَریویجایا]^۸ طی می‌کردند و تا گوانگژو پیش می‌رفتند. نام حاکم آن‌ها یَمیلو یَمیلان [امیرالمومنین]^۹ است، [خاندان وی] به مدت پانصد سال و ده نسل بر آن سرزمین حکمرانی داشته‌اند.^{۱۰} بهار و زمستان آن به یک اندازه گرم است. اشراف آنجا به پوشیدن عمامه‌هایی از چیت عالی، جامه‌های محلی زربفت نقش‌دار و جامه پنبه‌ای علاقه دارند، آن‌ها به پوشیدن جامه‌های با پارچه‌های نازیک و ابریشمی علاقه ندارند. آن‌ها بر فیل و اسب سوار می‌شوند. کاگزارانشان حقوق ماهیانه دریافت می‌کنند. آن‌ها بر اساس قانون خود، جرم‌های کوچک را با شلاق

و جرم‌های جدی را با مرگ مجازات می‌کردند. آن‌ها برنج، گندم، ارزن، گوسفندان ماوراءالنهری، بُز، گاو وحشی، گاو میش، شتر، اسب، ماهی، کرگدن، فیل، کُنْدر، عود، بُخور، خون سیاووشان، مُر، بوره، آنغوزه، صمغ استراک، مروارید، شیشه، انگور، خرما، و سه نوع شراب به نام‌های می، شا و بوا دارند.^{۱۱} آن‌ها در تجارت صرفاً از سکه‌هایی که دولت ضرب کرده استفاده می‌کنند؛ سه چهارم ترکیب این سکه‌ها از طلا و مس به‌طور مساوی و یک چهارم از نقره تشکیل می‌شد. ضرب غیرقانونی سکه ممنوع بود. آوای زبانی آن‌ها شبیه صحبت کردن دولت‌های مسلمان (داشی) است. اگر سلسله [سونگ] به حکومت توأم با آرامش خود ادامه دهد، مطمئناً کشورهای بیگانه برای سالیان دراز به دربار آن‌ها خراج خواهند فرستاد. با این حال اسناد تاریخی صرفاً نشان می‌دهند که تنها یک کشور معین تولیدات محلی خود را تقدیم کرده و موارد دیگری مانند املاک، قلمروها، حقوق گمرکی و رسومات برچیده شده است». Qingboo (biezhi, 1.141)

توصیفی مشابه، با تغییراتی اندک و اطلاعات بیشتر، در منبع تاریخی دیگری مربوط به این دوره توسط لی تائو (۱۱۸۴-۱۱۱۵ م.)، دبیر دیوان گزارش‌های رسمی (شیلو یوان) در سلسله سونگ جنوبی نوشته شده است. او وقایع‌نامه سلسله سونگ شمالی (۱۱۶۷-۹۶۰ م.)، *ثرو زیزی تونگجیان چانگجیان (تداوم در آینه جامع برای کمک به حکومت)*، را در ۱۱۸۳ م. به پایان رساند و به امپراتور سونگ جنوبی تقدیم کرد. لی تائو از تاریخ‌های رسمی سلسله‌ای، گزارش‌های رسمی و همچنین تاریخ‌های غیررسمی استفاده کرده و حتی گاهی نظر خودش را نیز راجع به برخی رویدادها ارائه داده است. متن لی تائو نکات متفاوت و نیز اطلاعات جدیدی در اختیار ما قرار می‌دهد. برای نمونه، او واژه «مسلمانان» (داشی) را به‌عنوان نام «حکومت مسلمان سینگتان» (داشی سینگتان گوو) به کار برده است. او گزارش می‌دهد که: «پایتخت این حکومت با دریای جنوبی ۲۰۰۰۰ لی فاصله دارد» و به فهرست کالاهای [آنجا] ریشه کاستوس را نیز می‌افزاید، در حالی که ارزن و عود بُخور از آن حذف شده است. به علاوه، او بیان می‌کند که حاکم سینگتان برای نخستین بار در ۶۳ هـ.ق. / ۱۰۷۱ م. و بار دیگر در سال‌های ۷۳ هـ.ق. / ۱۰۸۱ م. و ۷۵ هـ.ق. / ۱۰۸۳ م. فرستادگانی به دربار امپراتور چین گسیل کرده است. همچنین او خاطرنشان می‌کند که سفیر سلجوقی سینگجیانی (الزنجانی)^{۱۲} با لقب چینی بائوشون لانجیانگ (رییس حامیان فرمانبردار)،^{۱۳} دو بار به چین آمده بود و

سنگتان و فولین: سلجوقیان در منابع چینی^{۳۷}

هدایایی سلطنتی چون دو هزار لیانگ (۸۰ کیلو گرم) نقره دریافت کرده بود. (Xu Zizhi tongjian changbian 225.5469; 313.7592; 332.7998; 333.8017)

تمام این اطلاعات در فصل مربوط به سنگتان تاریخ رسمی سلسله سونگ، سونگ شی، موجود است. با این حال، وقایع نامه نویسان چینی دوره مغول، که آن را کامل کرده اند، تنها به ارسال دو فرستاده توسط سلجوقیان در ۱۰۷۱ و ۱۰۸۳ م. اشاره کرده اند. (Sog Shi 490.14122, 14123) از این رو، مقایسه گزارش های ارائه شده در تاریخ رسمی سونگ با منابع پیش از آن کار بسیار دشواری است.

فرستادگان قلمرو سلجوقی طی دوران سلطنت آلپ ارسلان (۶۵-۴۵۵ ه.ق.) / ۱۰۷۳-۱۰۶۳ م.) و پسرش ملکشاه اول (۸۵-۴۶۵ ه.ق.) / ۱۰۹۲-۱۰۷۲ م.)، باشکوه ترین دوره امپراتوری سلجوقی، به چین فرستاده شدند. آن ها قلمرو امپراتور را به میزان زیادی گسترش دادند و قدرت خود را تثبیت کردند و رقبای خود را در جنوب و شمال غرب شکست دادند. بنابراین واضح است که سلاطین سلجوقی در پی برقراری مناسبات مستقیم با چین بودند؛ زیرا، با وجود «بحران نقره» در سده یازدهم و دوازدهم، در مقابل دریافت کالاهایشان از جهان اسلام به آن ها نقره خالص پرداخت شده بود. ملکشاه اول برای سلسله سونگ به خوبی شناخته شده بود: نام او حتی در توصیف سرزمین های همسایه جنوب شرقی سلطنت روم توصیف شده است. (Xu Zizhi tongjian changbian 317.7661; Song Shi 490.14124)

بخش جذاب مطلب مربوط به سنگتان، [اشاره] به کاربرد فیل ها در حمل و نقل است. به طور طبیعی از فیل ها در جنوب صحرای آفریقا، هند و جنوب شرقی آسیا استفاده می شد. با این حال، کاربرد فیل ها در نبردها و تدارکات در ایران و ماوراءالنهر امر منحصر به فرد و یا ناشناخته ای نبود. به عنوان نمونه، طی دوره ساسانیان (۶۵۱-۲۲۴ م.) آن ها فیل هایی را که از هم پیمانان هندی خود تهیه می کردند به کار می بردند.^{۱۴} غزنویان (۵۸۲-۳۶۶ ه.ق.) / ۱۱۸۶-۹۷۷ م.) حاکم بر خراسان و هند، مشهورترین سلسله جهان اسلام بودند که همواره از فیل ها در امور نظامی استفاده می کردند و از فیل ها به عنوان نماد قدرت و اقتدار خود سود می جستند. نزد این سلسله ترک، داشتن فیل ها امتیازی سلطنتی بود؛ با این حال فیل ها در برخی شرایط به امرا هدیه داده می شد یا به عنوان هدایایی دیپلماتیک به حکام متحدشان داده می شد. به عنوان نمونه، عتبی [۴۲۷ ه.ق. / ۱۰۳۵-۳۶ م.]^{۱۵} مورخ غزنویان، در کتاب الیمینی در فهرست هدایای سلطان

محمود (۶۲۱-۳۸۷ ه.ق. / ۱۰۳۰-۹۹۸ م.) به حاکم قراخانی به فیل هم اشاره کرده است. (Reynolds 1858: 316) همچنین منابع چینی نیز به وجود فیل در سپاه قراخانی اشاره کرده‌اند. سفیر ختن که در سال ۹۷۱ به دربار امپراتور سونگ، تایزو (حک ۹۷۶-۹۶۰ م.) رسید به پیروزی تایزو بر حکومت کاشغر [شول گوو/ قراخانیان] و به غنیمت گرفتن یک فیل رقصنده اشاره کرده است. (Song Shi 490,14107) طبق گزارش تاریخ جهانگشای جوینی، فیل‌های هندی حتی در سپاه قراختاییان (۶۱۵-۵۱۸ ه.ق. / ۱۲۱۸-۱۱۲۴ م.) نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ قراختاییان این فیل‌ها را در نبرد با غوریان (۶۱۲-۵۸۱ ه.ق. / ۱۲۱۵-۱۱۸۶ م.)^{۱۶} به دست آورده بودند. (Boyle 1997: 360) سلجوقیان نیز فیل‌ها را در قالب هدایایی دیپلماتیک طی مذاکرات صلح با غزنویان و یا در زمان درگیری با آن‌ها به دست آورده بودند.

این منابع، نخستین منابع چینی درباره سلجوقیان نیستند. نخستین منبع چینی که در آن به سینگتان اشاره شده ونچانگ زالو (گزارش‌های متنوع از ونچانگ) نوشته پانگ یوانینگ است (۸۸-۱۰۷۰ م.). پانگ یوانینگ یکی از کارگزاران سونگ شمالی (ژوکه لنگ‌ژونگ) بود که مسئولیت دیدار با سفرای خارجی و نگهداری از خانواده نوادگان سلسله‌های پیشین را عهده‌دار بود. بی‌گمان او که اشخاصی را برای ملاقات با سفرای دولت سینگتان انتخاب می‌کرد، اطلاعات موثقی در مورد آن منطقه و موقعیت آنجا ارائه داده است:

«دیوان تشریفات متولی همه خارجی‌ها است [...] در جنوب پانزده کشور قرار داشت: [...] سیزدهمین کشور سینگتان نامیده می‌شد. در شرق سینگتان دریا و در غرب آن دولت هولومی، در جنوب دولت خیاووتان و در شمال دولت لیجیمان قرار داشت. کشور چهاردهم وکسون [مزوئن] بود؛ از آنجا مسیر دریایی بدون توقف و در مسیر باد موافق ۲۰ روز تا سینگتان فاصله بود». (Wenchang Zalu, 1.3a-b563)

تمام نام‌هایی که در این متن ذکر شده ناشناخته بوده و در هیچ منبع دیگری وجود ندارد، به جز وکسون که مزوئن (صحرار جدید) واقع در عمان امروزی است (Chen et al. 1986: 997-1002) و بندری مهم بین جهان اسلام و چین بوده است. دریایی که در شرق سینگتان قرار داشته به احتمال زیاد دریای خزر باشد، اما می‌تواند به خلیج فارس یا حتی دریای دورتری در جنوب چین نیز اشاره داشته باشد. لو یون حدس زده که اصطلاح هو لو می (که آن را هو لو مو خوانده)، می‌تواند از کلمه هوروم، واژه‌ای

سنگتان و فولین: سلجوقیان در منابع چینی ۳۹

ارمنی برای رُم مشتق شده باشد و به بیزانس اشاره داشته باشد. (Lu Yun 2015: 30) با این حال، بعید به نظر می‌رسد که سفیر سلجوقیان این کلمه را برای رُم به جای کلمه فارسی روم، که برای قلمرو سابق بیزانس که به تصرف سلجوقیان درآمده بود، به کار برده باشد. به نظر من، این کلمه را باید هو لو می «روم متعلق به ترکان» خواند. بخش نخست این اسم، «هو»، به معنی «بیگانه» [بربر]، واژه‌ای عمومی برای مردمان بیگانه ساکن شمال و شمال‌غربی چین بود و عمدتاً به مردمانی که به زبان ترکی، مغولی و تونگوزی صحبت می‌کردند، اطلاق می‌شد. همچنین گاه برای مردمان بیگانه ساکن شمال و شمال‌غربی چون طُخارستانی‌ها یا سُغدی‌ها نیز به کار می‌رفت. طی دوران زمامداری سونگ، این واژه اغلب در ارتباط با ماوراءالنهر به کار می‌رفت. بخش دوم این واژه، «لومی»، به نام چینی لومی که به سلجوقیان آناتولی اطلاق می‌شد، بسیار شبیه است. این واژه برگرفته از واژه فارسی «روم» توسط ژائو رُگوا، کارگزار سونگ جنوبی در گزارشش دربارهٔ کشورهای بیگانه به کار برده شده است. (Zhufan Zhi, 116-141-142; Hirth and Rockhill 1911, 141-142) سلاطین امپراتوری سلجوقی طی سال‌های ۴۶۳ هـ.ق. / ۱۰۷۱ م.، ۴۷۳ هـ.ق. / ۱۰۸۱ م. و ۴۷۵ هـ.ق. / ۱۰۸۳ م. سه فرستاده به چین گسیل کردند. (Xu Zizhi tongjian changbian, 313. 7592; 332.7998; 333.8017) هر سه پس از نبرد ملازگرد، یعنی زمانی که سلجوقیان شروع به تصرف آناتولی (در جهان اسلام روم) کردند، به چین فرستاده شدند. با این حال، به‌رغم فتح این منطقه، سلاطین امپراتوری سلجوقی هرگز خودشان را حکام روم ننمیدند؛ اگرچه ذکر نام کشورهای تسخیرشده توسط سلجوقیان در القاب آن‌ها امری عادی بود، اما روم هرگز در القاب آن‌ها ظاهر نشد. (Korobeinikov 2013: 71) سلطنت سلجوقیان آناتولی تا ۴۷۶ هـ.ق. / ۱۰۸۴ م. تابع امپراتوری سلجوقیان بودند. (Korobeinikov 2013: 72) سفرای فرستاده‌شده به دربار امپراتور چین، به آناتولی و دیگر نواحی تابع سلجوقیان روم، به‌عنوان همسایه غربی [سلجوقیان بزرگ] منسوب بودند. لو یون، ژیاووتان همسایه جنوبی سنگتان را امپراتوری غزنوی (۵۸۲-۳۸۶ هـ.ق. / ۹۹۷-۱۱۸۶ م.) حاکم بر افغانستان و شمال‌غربی هند دانسته است، اما هیچ احتمالی را درباره منشأ این واژه مطرح نکرده است. (Lu Yun, 2015: 30) در منابع سلسله سونگ جنوبی از جمله کتاب *لینگوای دایدا* (گزارش‌هایی از سرزمین‌های آن سوی گذرگاه‌ها) نوشته ژو قوفی (۸۹-۱۱۳۵ م.) از غزنویان با عنوان جیسینی، ترجمه چینی غزنه پایتخت غزنویان یاد شده است. (Lingwai daida 3.3b-4a; Netolitzky 1977: 45-46;)

Zhufan zhi, 112; Hirth and Rockhill 1911: 138) زمانی که سفرای سلجوقیان به چین رسیدند، غزنویان و سلجوقیان به ابتکار ابراهیم حاکم غزنویان (۹۲-۴۵۱ ه.ق. / ۹۹-۱۰۵۹ م.) معاهده صلحی امضا کردند که موجب توقف فتوحات بیشتر سلجوقیان در قلمرو غزنویان شد. در این زمان تعاملات فرهنگی و اجتماعی دو امپراتوری از طریق پیوند زناشویی آغاز شده بود. غزنویان از نظر اقتدار به میزان کافی توانایی برابری با سلجوقیان را داشتند و لقب سلطان را برای خود به کار می‌بردند. (Bosworth, 2001) سفرای سلجوقی می‌توانسته‌اند غزنویان را به چینی‌ها معرفی کنند. بنابراین شاید چینی‌ها به منظور تمایز آن‌ها از سلاطین سلجوقی در زبان چینی ترجمه آوایی جدیدی از کلمه سلطان را به کار برده باشند.

به باور لو یون، دولت لیجیمان واقع در شمال سنگتان، می‌تواند به قراخانیان غربی اشاره داشته باشد. او تلاش کرده لیجی را به عنوان کلمه‌ای چینی برای لقب ترکی ایلگ در نظر بگیرد. (Lu Yun, 2015: 31) ایلگ به معنی «شاهزاده» و «پادشاه» عالی‌ترین لقب پس از لقب بزرگ خاقان بود. نویسندگان مسلمان از جمله عتبی در کتاب الیمینی، اغلب این لقب را برای قراخانیان به کار برده‌اند.^{۱۷} قراخانیان شرقی به خوبی برای سونگ شمالی شناخته شده بودند و در سال ۳۹۹ ه.ق. / ۱۰۰۹ م. مناسبات سیاسی نزدیکی با سلسله سونگ چین برقرار کردند و تحت عنوان «پادشاهان قراخانی دولت ختن» (یو-تین گو هی هان وانگ) شناخته می‌شدند. (Xu Zizhi tongjian 14-109; Song shi 490.14106-14-109) قلمرو قراخانیان غربی در چین به عنوان بخشی از جهان اسلام و قراخانیان به عنوان مسلمانان (داشی) قلمداد می‌شدند.^{۱۸} من در منابع چینی نام دیگری که به قراخانیان غربی اشاره داشته باشد نیافتم به جز پوهالوو (بخارا) که در فهرست دولت‌های مسلمان توسط ژائو روگوا کارگزار سلسله سونگ شمالی ثبت شده است. (Hirth and Rockhill 1911: 116-117) به هر حال، طی این دوره، سلاطین سلجوقی از طریق پیمان‌های ازدواج، نه تنها با سلاطین غزنوی، بلکه همچنین با قراخانیان نیز پیوندهای نسبی نزدیکی برقرار کردند که تا زمان سنجر (۵۱۱-۵۲ ه.ق. / ۱۱۱۸-۵۷ م.) تداوم یافت. به عنوان نمونه، طبق نوشته الکامل فی التاریخ، نخستین همسر سلطان ملک‌شاه اول سلجوقی، شاهزاده خانم قراخانی معروف به ترکان خاتون (ملکه ترکان) بود.^{۱۹} شمس‌الملک نصر بن ابراهیم (۷۲-۴۶۲ ه.ق. / ۸۰-۱۰۶۸ م.) حاکم قراخانی سمرقند، بخارا و ماوراءالنهر نیز با شاهزاده خانم

سنگتان و فولین: سلجوقیان در منابع چینی ۴۱

سلجوقی ازدواج کرد. (مرآة الزمان فی تاریخ الاعیان، ۱۹۶۸: ۱۶۴) از این رو دولت‌های لیجیمان و ژیاووتان که توسط پانگ یوانینگ گزارش شده، می‌تواند به قراخانیان غربی و غزنویان اشاره داشته باشد.

لیائو شی (تاریخ سلسله شی) تنها نبرد قطوان در ۵۳۶ ه.ق. / ۱۱۴۱ م. نزدیک سمرقند (ژونسیگان) بین سلطان سنجر سلجوقی و یلو دایشی گورخان قراخانی (۳۸-۵۲۹ ه.ق. / ۱۱۲۴-۴۳ م.) را گزارش کرده است. امپراتوری سلجوقی هوئرشان (خراسان) نواحی غربی (ژی‌یو) نامیده شده است.^{۲۰} سلطان سنجر پیش از سلطنت از سال ۴۹۰ ه.ق. / ۱۰۹۶ م. از سوی برادر ناتنی‌اش برکیارق (۹۸-۴۸۷ ه.ق. / ۱۱۰۵-۱۰۹۴ م.) به عنوان حاکم خراسان برگزیده شده بود.

۳. سلطنت سلجوقیان روم در منابع چینی

منابع چینی سه اصطلاح را برای سلطنت سلجوقیان روم به کار برده‌اند: فولین (Xu Zizhi tonhjian changbian 317.7661-7662; Song shi 490.14124-14125 می‌لوگودون (Lingwai daida 3.4a; Netolitzky 1977, 46) و لومی. (Zhufan zhi, 116-117; Hirth and Rockhill 1911: 141-142)

فولین که به احتمال زیاد از کلمه فارسی میانه (Hrwm) رُم گرفته شده است، در اصل در منابع رسمی سلسله تانگ برای امپراتوری بیزانس به کار رفته است.^{۲۱} توصیف فولین در منابع سونگ آشکارا نشان می‌دهد که به سلجوقیان اشاره دارد.^{۲۲} لومی برگرفته از واژه روم و مشتق از رُم طی سده‌های میانه در جهان اسلام برای امپراتوری بیزانس به کار می‌رفته است. سلجوقیان قلمرو این سلطنت را روم نامیدند، زیرا دولت آن‌ها در بخش اعظمی از قلمرو بیزانس که در جهان اسلام روم نامیده می‌شد، تشکیل شده بود. فردریش هرث واژه می‌لوگودون را برای سلطنت سلجوقیان روم به کار برده است. (Hirth and Rockhill 1911: 141-142) با این حال، او حدس زده است که این واژه می‌تواند برگردان آوایی کلمه عربی «ملحدون» به معنای «کفار» و «مرتدان» باشد و به کنستانتینوپل اشاره داشته باشد. به علاوه او فرض می‌کند که این می‌تواند تصویری پیچیده از منطقه دورافتاده مدیترانه در چین باشد. (ibid: 142) با این حال، قرآن واژه ملحدون را اساساً برای ناباوران و نه مسیحیان به کار برده است. حدس من این است که به احتمال زیاد می‌لوگودون از عبارت «مُلکِ روم» به معنی «پادشاهی روم» برگرفته شده و به تمام قلمرو سلطنت سلجوقیان روم اشاره داشته است.

واژه فولین در منابع تاریخی رسمی چینی توسط مورخان درباری به کار رفته است؛ در صورتی که لومی و می لوگودون در گزارش‌های مربوط به کشورهای بیگانه که توسط کارگزاران رسمی شاغل در نواحی مرزی تهیه شده به کار رفته است و در اصل بر اطلاعاتی که آن‌ها از بازرگانان خارجی کسب می‌کردند تکیه دارد. به نظر می‌رسد که مورخان درباری ترجیح داده‌اند رایج‌ترین اصطلاح برای منطقه را به کار ببرند، در حالی که دیگر نویسندگان نامی را که نزد سلجوقیان و در سراسر جهان اسلام رواج داشته به کار برده‌اند.

شرح فولین در سونگ شی (Song shi 490. 14124-14125) از یک [منبع] تاریخی نوشته‌شده در سده دوازدهم به نام ژو زیثی-تونگجیان گرفته شده است. عبارت موجود در سونگ شی کاملاً تغییر یافته و مختصر می‌باشد. این گزارش همچنین اطلاعات مهمی را که به سلجوقیان روم و نه بیزانس اختصاص داشته، حذف کرده است. از این رو شرح فولین در ژو زیثی-تونگجیان می‌تواند برای پی‌گیری کاربرد این اصطلاح در دوره سلسله سونگ مورد استفاده قرار گیرد:

«در چهارمین سال دوره یانفنگ [۱۰۸۱ م.] دولت فولین محصولات محلی‌اش را به عنوان خراج تقدیم کرد: نیسی [نصر؟] رئیس اصلی (دا شولینگ)^{۳۳} و فرمانده اصلی (دالینگ) سیمنگیان [عثمان بی؟]^{۳۴} گزارش می‌دهند که در جنوب شرقی کشورشان میلشا [ملکشاه] قرار دارد و در شمال دریای بزرگ [دریای سیاه] واقع است، هر دو چهل منزل فاصله دارند. در شرق به مسلمانان غربی [Xi Dashi]^{۳۵} و فوژو جدید^{۳۶} که توسط حاکم ختن [یو تین] تسخیر شده بود،^{۳۷} می‌رسید، سپس ختن قدیم قرار داشت،^{۳۸} در ادامه شهر ژوچانگ^{۳۹} و سپس مرزهای ختن؛ پس از آن اویغورهای مو بور هستند [هانگتو هوئیته]^{۴۰} سپس تاتارها [دادا]^{۴۱}، چونگول‌ها [ژونگوو]^{۴۲} و مناطقی که توسط دونگژان تصرف شده قرار دارند،^{۴۳} پس از آن شهر لینگین^{۴۴} واقع است، سپس قینقتانگ^{۴۵} و پس از آن سرحدات حکمران پادشاهی میانی قرار دارد. در غرب دریای بزرگ [دریای اژه] قرار دارد که تقریباً به فاصله سی روز سفر واقع شده است. نام حکمران آن جا میلیئی لینگ گایچه [ملک روم قیصر]^{۴۶} است. هوای آن کشور بسیار سرد است. حاکم آن لباس قرمز و زرد و عمامه ابریشمی زربفت می‌پوشد. در سومین ماه هر سال او برای روشن کردن بخور از معبد بودا بازدید می‌کند. او بر تختی قرمز می‌نشیند و افرادی او را بر روی شانه‌هایشان حمل می‌کنند.^{۴۷}

سنگتان و فولین: سلجوقیان در منابع چینی ۴۳

رؤسا هم چون حاکم لباس‌هایی به رنگ سبز و آبی، [برخی] قرمز تیره، [برخی] سفید، [برخی] قرمز کم‌رنگ، [برخی] قهوه‌ای و بنفش و نیز عمامه می‌پوشند و بر اسب می‌نشینند. هر شهر و ایالت مستحکمی رئیس مخصوص خود را دارد که مسئول اداره آن است.^{۳۸} آن هر سال دوبار در تابستان و پاییز مواجب رسمی دریافت می‌کردند. آن‌ها طلا، نقره، پارچه پنبه‌ای، پارچه زربفت، غلات و ابریشم دریافت می‌کردند و میزانش بسته به سابقه خدمتشان متفاوت بود. جرایم کوچک با پنجاه تا هفتاد ضربه، جرایم سنگین‌تر با یک‌صد تا دویست ضربه مجازات می‌شد، و مجازات بزرگترین جرم‌ها انداختن درون دریا به صورت پیچیده درون کیسه بود.^{۳۹} خانه‌هایشان از کاشی ساخته نمی‌شد. محصولات کشورشان شامل طلا، نقره، مروارید، ابریشم خام، جامه زربفت، گله گاو، گوسفند، اسب، شتر، زردآلو، گلابی، شیرینی، خرما، مغز بادام، انواع گندم، ارزن و شراب انگور بود. از نظر موسیقی آن‌ها کمانچه [هوقین]،^{۴۰} چنگ [گُنگو]، سورنا کوچک [بیلی]^{۴۱} و طبل یک سویه [بیانگو] می‌نواختند؛ آن‌ها می‌خوانند، کف می‌زنند و می‌رقصند. آن‌ها به دنبال جنگ نیستند؛ اگر مشکل کوچکی پدید آید، آن را از طریق مکاتبه حل می‌کنند و تنها در موارد جدی نیرو اعزام می‌کنند. آن‌ها سکه‌های طلا و نقره بدون سوراخ ضرب می‌کنند. بر پشت سکه نام ملیفو [خلیفه]^{۴۲} و بر روی آن نام حاکم را ضرب می‌کنند. ضرب غیررسمی سکه ممنوع است. زبان آن‌ها شبیه زبان می‌لیشا [ملکشاه] است. آن‌ها به عنوان خراج اسب‌های زین‌شده، شمشیر و مروارید به امپراتور می‌پردازند. (Xu Zizhi tongjian changbian 317.7661-7662).

پژوهشگری متأخر با توجه به فولین ژنگژوان، («تاریخ رسمی فولین»)، که اکنون برجای نمانده، تفسیر جالبی درباره اصطلاح فولین ارائه می‌دهد. بر طبق این منبع، طی بیش از نهصد سال تا زمان نگارش اثر [فرستاده‌ای] از فولین به دربار چین نیامده بود. (Xu Zizhi tongjian changbian 317.7662) بدون شک گزارش ارائه‌شده مبنی بر عدم اعزام فرستادگان این کشور در دوره‌های قبلی، در مورد سلسله جدید در آسیای صغیر به کار رفته است؛ زیرا منابع چینی به چندین سفارت از سوی فولین طی دوره تانگ اشاره کرده‌اند و در آن زمان این اصطلاح برای امپراتوری بیزانس به کار می‌رفته است. (Jiu Tangshu 198.5313-5315; Xin Tangshu, 221.6260-6261) بنابراین روشن است که منظور نویسنده، سلجوقیان روم بوده که برای اولین بار سفیر خود را فرستاده بود. به علاوه هر دو تاریخ سلسله‌ای [تانگ] به وضوح ذکر می‌کنند که فولین همان داقین باستان، نام چینی امپراتوری روم بوده است و توصیف‌های فولین

عباراتی هستند که از منابع پیشین رونویسی شده است.^{۴۳} منابع سونگ اطلاعات کاملاً جدید و متفاوت با توصیفات پیشین درباره فولین ارائه می‌دهند که پیش از آن موجود نیست. اصطلاح فولین در دوره سونگ به عنوان اصطلاحی جغرافیایی برای سلطنت سلجوقیان روم به کار می‌رفت.

توصیف کامل سرزمین‌های ما بین فولین و چین نشان می‌دهد که فرستادگان سلجوقیان روم از طریق مسیر زمینی به چین آمده‌اند. سونگ شی که این اطلاعات را تأیید می‌کند، می‌گوید که فرستادگان فولین با وجود تهدیدهای خیتان‌ها و تانگقوت‌ها از راه زمینی رهسپار چین شده‌اند. (Song shi 485.13981) همچنین تأیید می‌کند که این فرستادگان از سوی سلجوقیان روم ارسال شده بودند، نه بیزانس که درگیر تقابل نظامی با ترکان سلجوقی بود. سفرای بیزانس برای رسیدن به چین ابتدا باید از قلمرو سلجوقیان روم، سپس از قلمرو ملک‌شاه سلجوقی و در نهایت قراخانیان متحد سلجوقیان عبور می‌کردند. این تنها هیأت سلجوقیان روم نبود. در ۴۸۳ ه.ق. / ۱۰۹۱ م. سفرای سلجوقی دو بار برای تقدیم کالاهای خود به دربار چین آمدند و دویست دست لباس، ظروف نقره، انواع جامه‌ها و یک کمر بند طلایی دریافت کردند. (Xu Zizhi tongjian changbian 455.10906; 457.10943; 458.11186 سفرای قراخانیان [به دربار چین] آمدند و همین نکته نیز تأیید می‌کند که آن‌ها از قلمرو «اویغورهای موبور» (هوانگتو هویه)، تاتارها و دونگزان گذشته‌اند. (ibid 335.8061; 455.10906) سفرای فولین کالاهای معمول کوچ‌نشینان چون اسب‌ها و شمشیرها را تقدیم کردند. (ibid: 317.7662)

فهرستی از کشورهای بین سونگ چین و فولین بر اساس سونگ شی به اختصار داشی غربی (مسلمانان، قراخانیان غربی)، یوتین (ختن، قراخانیان شرقی)، هویه (اویغورها)، قینگتانگ (تسونگخا) و سپس ژونگوو (چین) بود. (Song shi 490.14124-14125) به علاوه اطلاعات مربوط به شباهت زبانی بین فولین و میلشا (سلطان ملک‌شاه سلجوقی) به وضوح نشان می‌دهد که فولین به سلجوقیان روم، و نه بیزانس، اشاره دارد.

۴. نتیجه‌گیری

منابع چینی سلسله سونگ ارسال فرستادگانی را از سوی امپراتوری سلجوقی و سلجوقیان روم به دربار امپراتوری [سونگ] گزارش کرده‌اند. آلب ارسلان و ملک‌شاه طی

سنگتان و فولین: سلجوقیان در منابع چینی ۴۵

سال‌های ۶۳ هـ.ق. / ۱۰۷۱ م.، ۷۳ هـ.ق. / ۱۰۸۱ م. و ۷۵ هـ.ق. / ۱۰۸۳ م. جهت برقراری مناسبات دوستانه با سلسله سونگ فرستادگانی به چین گسیل کردند. این فرستادگان در شکوفاترین دوره امپراتوری سلجوقی از طریق مسیر دریایی اعزام شدند، در حالی که سلاطین سلجوقی روم در آغاز دوره تأسیس خود سفیرانشان را از مسیر زمینی به چین فرستادند. نخستین فرستاده سلجوقیان روم از سوی مؤسس آن‌ها سلیمان بن قُتلمِش در ۷۳ هـ.ق. / ۱۰۸۱ م. به چین رسید؛ ابوالقاسم حاکم بعدی سلجوقیان روم دو فرستاده بعدی را در ۸۳ هـ.ق. / ۱۰۹۱ م. به چین فرستاد. به احتمال زیاد، هر دو دولت برای دسترسی مستقیم به تجارت چین منافع اقتصادی را دنبال می‌کردند. با این حال، آن‌ها اساساً به دلیل فاصله بین کشورها و جنگ‌های بی‌پایانی که سلجوقیان درگیر آن بودند به اهداف خود نرسیدند. همچنین، در جهان ترکی - اسلامی، اصلی‌ترین شریک تجاری چین، خانات قراخانی بودند که با هر دو سلسله لیائو و سونگ روابط تجاری داشتند. بازرگانان قراخانی به منبع اصلی تأمین ابریشم، ظروف چینی، چای، دارو و سایر کالاهای گران‌قیمت چینی تبدیل شدند.

گزارش‌های [منابع] چینی درباره امپراتوری سلجوقی و سلجوقیان روم نه تنها اطلاعات منحصر به فردی در مورد مناسبات سیاسی و تبادل هدایا میان این دولت‌ها ارائه می‌دهد، بلکه به برداشت چینی‌ها نسبت به ترکان سلجوقی نیز اشاره دارد. علاوه بر این، این منابع تصویر روشنی از شبکه تجاری و مسیرهای زمینی از آناتولی به چین طی سده پنجم / یازدهم در اختیار ما قرار می‌دهد.

Bibliography

- Al-Kāmil fī'l-ta'rīkh*, by 'Izz al-Dīn 'Alī Ibn al-Athīr. English translation: Richards 2002; Russian translation: Bulgakov 2006.
- Bartold, Vasily V. *Turkestan v epokhu mongol'skogo nashestviia*. St. Petersburg: Imperatorskaia Akademiia nauk, 1900 [rpt. in: *Sochineniia I*. Moscow: Vostochnaia literatura, 1963].
- Bemman, Jan, and Schmauder, Michael (eds.). *Complexity of Interaction along the Eurasian Steppe Zone in the First Millennium*

- He Jianmin 何健民 (tr.). *Zhongguo Nanhai gudai jiaotong congkao* 中國南海 古代交通叢考, by Fujita Toyohachi 藤田豐八. Shanghai: Shangwu, 1936.
- Hirth, Friedrich, *China and the Roman Orient: Researches into Their Ancient and Medieval Relations as Represented in Old Chinese Records*. Shanghai: Kelly & Walsh, 1885 [archive.org/details/chinaandromanor01hirtgoog].
- Hirth, Friedrich. "The Mystery of Fu-lin", *Journal of the American Oriental Society* 30.1 (1909), 1-31.
- Hirth, Friedrich, and Rockhill, William Woodville: *Chau Ju-kua: His Work On Chinese and Arab Trade in the 12th and 13th Centuries, Entitled Chu-fanchi*. St. Petersburg: Imperial Academy of Sciences, 1911.
- Horlemann, Bianca. "The Relations of the Eleventh-Century Tsong Kha Tribal Confederation to Its Neighbour States on the Silk Road", in: *Kapstein and Dotson* 2007, 83-106.
- Hriban, Cătălin (ed.). *Studies on the Peoples and Cultures of the Eurasian Steppes*. București: Editura Academiei Romane, 2011.
- Hucker, Charles O. *A Dictionary of Official Titles in Imperial China*. Stanford: Stanford University, 1985.
- Jiu Tangshu 舊唐書, by Liu Xu 劉昫. Taipei: Dingwen, 1981.
- Kapstein, Matthew T., and Dotson, Brandon (eds.). *Contributions to the Cultural History of Early Tibet*. Leiden: Brill, 2007.
- Karaev, Omurkul. *Istoriia karakhanidskogo kaganata История Караханидс-ко_о ка_аната*. Frunze: Ilim, 1983.
- Kitāb al-Yamīnī*, by al-ʿUtbī. English translation: Reynolds 1858.
- Korobeinikov, Dimitri, "The King of the East and the West: The Seljuk Dynastic Concept and Titles in the Muslim and Christian Sources", in: *Peacock and Yildiz* 2013, 68-90.
- Korobeinikov, Dimitri. *Byzantium and the Turks in the Thirteenth Century*. Oxford: Oxford University, 2014.
- Leslie, Donald Daniel, and Gardiner, Kenneth Herbert James. *The Roman Empire in Chinese Sources*. Roma: Bardi, 1996.
- Liao shi 遼史, by Tuotuo 脫脫 et al. Beijing: Zhonghua, 1976.
- Lieu, Samuel Nan-chiang. "Epigraphica Nestoriana Serica", in *Sundermann et al.* 2009, 227-246.

- Lingwai daida 嶺外代答 [Notes from the Land beyond the Passes], by Zhou Qufei 周去非. Siku quanshu ed. German translation: Netolitzky 1977.
- Liu, Mau-Tsai [Liu Maocai 劉茂才]. *Die Chinesischen Nachrichten zur Geschichte der Ost-Turken (T'u-kue)*, vol. 1: Texte. Wiesbaden: Harrassowitz, 1958.
- Lu Yun 陆芸. "Songdai Cengtan guo xin kao" 宋代层檀国新考, *Haijiao shi yanjiu* 海交史研究 2015.2, 26-32.
- Luther, Kenneth Allin (tr.) and Bosworth, Clifford Edmund (ed.). *The History of the Seljuq Turks from the Jāmi' al-Tawārīkh: An Ilkhanid Adaptation of the Saljūq-nāma of Zāhīr al-Dīn Nīshāpūrī*. Richmond: Curzon, 2001.
- Mir'āt al-zamān fī tā'rīh al-ā'yān*, by Sibṭ ibn al-Jawzī, edited by Ali Servin. Ankara: Türk Tarih Kurumu, 1968.
- Netolitzky, Almut (tr.). *Das Ling-wai tai-ta von Chou Ch'u-fei: Eine Landeskunde Sudchinas aus dem 12. Jahrhundert*. Wiesbaden: Steiner, 1977.
- Peacock, Andrew C. S. *Early Seljūq History: A New Interpretation*. London: Routledge, 2010.
- Peacock, Andrew C. S., and Yildiz, Sara Nur (eds.). *Seljuks of Anatolia: The Court and Society in the Medieval Middle East*. London: Tauris, 2013.
- Peacock, Andrew C. S. *The Great Seljuk Empire*. Edinburgh: Edinburgh University, 2015.
- Peters, Rudolph. *Crime and Punishment in Islamic Law: Theory and Practice from the Sixteenth to the Twenty-first Century*. Cambridge: Cambridge University, 2005.
- Pritsak, Omeljan, "Die Karachaniden", *Der Islam* 31.1 (1953), 2-68.
- Qingbo biezhi 清波別志, by Zhou Hui 周輝. *Congshu jicheng chubian* 叢書集成初編, 2774. Changsha: Shangwu, 1939.
- Reynolds, James (tr.). *The Kitabi-i-Yamini, Historical Memoirs of the Amir Sabaktagin and the Sultan Mahmud of Ghazna, Early Conquerors of Hindustan, and Founders of the Ghaznavide Dynasty*. London, 1858
[archive.org/download/kitabiyaminihist00alut/kitabiyaminihist00alut.pdf].

- Richards, Donald Sidney (tr.). *The Annals of the Saljuq Turks: Selections from Al-Kāmil fī'l-ta'rīkh of 'Izz al-Dīn 'Alī Ibn al-Athīr*. London: Curzon, 2002.
- Saljūq-nāma*, by Ṣāhīr al-Dīn Nīshāpūrī. English translation: Luther and Bosworth 2001.
- Shiratori Kurakichi 白鳥庫吉. *Saiwai shidi lunwen yicong* 塞外史地論文譯叢, translated by Wang Gulu 王古魯. 2 vols. Changsha: Shangwu, 1938–1939.
- Song shi 宋史, by Tuotuo 脫脫 et al. Beijing: Zhonghua, 1977.
- Sundermann, Werner, Hintze, Almut, and de Blois, Francois (eds.). *Exegisti Monumenta. Festsschrift in Honour of Nicholas Sims-Williams*. Wiesbaden: Harrassowitz, 2009.
- Tārīkh-i Jahāngushā*, by 'Alā' al-Dīn 'Aṭā-Malik Juvaynī. English translation: Boyle 1997.
- Wenchang zalu 文昌雜錄, by Pang Yuanying 龐元英. Siku quanshu ed. (vol. 862).
- Wei Liangtao 魏良弢. *Kalahan wangchao shi gao* 喀喇汗王朝史稿. Urumchi: Xinjiang renmin, 1986.
- Wilkinson, Endymion. *Chinese History: A New Manual*. Cambridge, MA: Harvard University Asia Center, 2015.
- Xin Tangshu 新唐書, by Ouyang Xiu 歐陽修 and Song Qi 宋祁. Taipei: Dingwen, 1981.
- Xin Wudai shi 新五代史, by Ouyang Xiu 歐陽修. Beijing: Zhonghua, 1974.
- Xu Jialing 徐家玲. “Baiguting haishi Saierzhuoren guojia?: xi “Song shi • Fulin guo chuan” de yi duan jizai” 拜古庭还是塞尔柱人国家?—析“宋史·拂菻国传”的一段记载, *Gudai wenming* 古代文明 2009.4, 63-67.
- Xu Zizhi tongjian changbian 續資治通鑑長編, by Li Tao 李燾. Beijing: Zhonghua, 1990.
- Yang Bowen 楊博文 (annot.). *Zhufan zhi jiaoshi* 諸蕃志校釋. *Zhong-Wai jiaotong shiji congkan* 中外交通史籍叢刊, 12. Beijing: Zhonghua, 2008.
- Yang Xianyi 杨宪益. *Yiyu oushi* 译余偶拾. Beijing: Sanlian, 1983.
- Zhang Xinglang 张星烺 (ed.). *Zhong Xi jiaotong shiliao huibian* 中西交通史料汇编, vol. 2. Beijing: Zhonghua, 1977.

Zhou Yunzhong 周运中. "Songdai jiaotong Zhongguo de Cengtan guo kao" 宋代交通中国的层檀国考, Haijiao shi yanjiu 海交史研究 2014.2, 27-35.

Zhufan zhi 諸蕃志, by Zhao Rugua 趙汝适. Edition: Yang Bowen 2008; translation: Hirth and Rockhill 1911.

پی‌نوشت

^۱ این مقاله در قالب طرحی از سوی بنیاد الکساندر فون هامبولت حمایت و نوشته شده است. نسخه نخستین این مقاله در نوامبر ۲۰۱۶ در دانشگاه لایدن در همایشی با عنوان زیر ارائه شده است:

"Memory and commemoration in Islamic central Asia"

بر خود لازم می‌دانم که از استاد الیور کریموف و استاد رالف کاتز به خاطر یادداشت‌های ارزشمندشان بر پیش‌نویس نخستین مقاله تشکر نمایم. تمام اشتباهات مقاله بر عهده بنده است.

^۲ نوشتار حاضر برگردان مقاله‌ای به زبان انگلیسی با مشخصات زیر است:

Dututaeva, Dilnoza, "Cengtan and Fulin: The Saljuqs in Chinese sources". *Crossroads, Studied on The History of Exchange Relation in the East Asian World*. Vol.15 (April 2017)pp.30-47.

^۳ برای سالشمار کاربرد توجوه در منابع چینی رک: Liu, 1958, 1. آخرین فرستاده از سوی توجوه، احتمالاً قراخانیان، در ۹۴۱ م. به دربار چین آمده است Xin Wudai Shi, 74.913. مشاهده ترجمه آلمانی از بخش توجوه در خین وودای شی، رک: Golden, 2011, 20-21.

^۴ در دوره سونگ ۲۰ لی برابر با ۱۱.۳ کیلومتر بوده است. رک: Wilkinson, 2015, 554-56.

^۵ در این زمان پایتخت سلجوقیان اصفهان بود. با این حال، فرستادگان اغلب از یکی از بنادر خلیج فارس فرستاده می‌شدند.

^۶ ووکسون [مزوئن] صحار در عمان امروزی، یکی از مهم‌ترین بنادر واقع در مسیر تجارت دریایی مابین جهان اسلام و چین بوده است.

^۷ گولن یا کویلون یکی از شهرها و بنادر دریایی قدیمی در ساحل مالابار و در جنوب غربی هند بود. [همان کولام منابع اسلامی: مترجم].

^۸ سَنَفُوقی (سَریوجایا) دولت‌شهری واقع در جزیره سواترا در اندونزی بوده است.

^۹ هیرث و راکهیل (۱۲۷، ۱۹۱۱، زیرنویس ۴) یمیلو یمیلان را لقب امیر امیران تشخیص داده‌اند. برخی از امیران سلجوقی این لقب را داشته‌اند. برای نمونه، عثمان، عموی ملک‌شاه اول (۱۰۹۲-۱۱۱۸).

سنگتان و فولین: سلجوقیان در منابع چینی ۵۱

۱۰۷۲)، امیر سَکَلْکَند در تَخارستان لقب امیر امیران داشته است. (See Richards 2002, 180) با این حال، این لقب توسط سلاطین سلجوقی به کار نمی‌رفته است و گمان نمی‌کنم که عثمان فرستاده‌ای به چین گسیل کرده باشد. همچنین می‌تواند نوعی تحریف لقب امیرالمؤمنین باشد که متعلق به خلفا بود. فرستاده سلجوقیان می‌توانسته خلیفه را به عنوان حاکم معنوی معرفی کرده باشد. به علاوه، سلطان سلجوقی آلپ ارسلان (ح ۱۰۷۲-۱۰۶۳) لقب برهان امیرالمؤمنین را از خلیفه القائم دریافت کرده بود.

^{۱۰} این جمله می‌تواند به خلیفه مربوط باشد.

^{۱۱} واژه‌های چینی می، شا و بوا می‌تواند به واژه فارسی می و عربی - ایرانی شراب و خمر اشاره داشته باشد.

^{۱۲} برای این نام رک: Hirth and Rockhill, 1911, 122, N.4.

^{۱۳} لقبی افتخاری که به امرای نظامی بیگانه اعطا می‌شد. (رک: Hucker, 1958, 369) بائوشون، لقب افتخارآمیزی بود که اغلب در ابتدای القاب اشراف و حاکمان بیگانه به کار می‌رفت. به عنوان نمونه، طغرل قراخان یوسف بن سلیمان و یلاج خاقان اویغور گانزو (۱۰۲۸-۱۰۲۳) [از امپراتور چین] لقب گیژونگ بائوشون («بیگانه وفادار به‌خاطر حفظ تابعیت») دریافت کردند. رک: Song shi, 49. 14108, 14117.

^{۱۴} برای حضور فیل در سپاه ساسانی، رک: Charles 2007.

^{۱۵} نویسنده به اشتباه سال درگذشت عتبی را ۱۰۲۲ م. ذکر کرده بود که تصحیح گردید. (مترجم)

^{۱۶} نویسنده سال آغاز به کار غوریان را ۱۱۸۶ م. ذکر کرده که معادل آن ۵۸۱ قمری و نادرست است. (مترجم)

^{۱۷} به‌عنوان نمونه، رک: سلجوقنامه، ۲۹-۳۰؛ Reynolds 1858, 315-318.

^{۱۸} اصطلاحات هی‌هان و داشی در منابع چینی برای قراخانیان به کار رفته است و توسط بیران (Biran 2001, 79-80) هم بررسی شده است. برای مناسبات قراخانیان و چینی‌ها، رک: Hansen 2015, 288-302; 2013. برای تاریخ سیاسی قراخانیان، رک:

Barthold, 1900; Pritsak 1953, 17-68; Genç 1981; Karaev (1983); Wei Liangtao (1986).

^{۱۹} Richards 2002, 187-188.

^{۲۰}. لیائو شی (۳۰.۳۵۶) هوئرشان را به عنوان نامی برای ائتلاف کشورهای منطقه غرب به کار برده است. اما واضح است که این نام به خراسان اشاره دارد.

^{۲۱}. برای اصطلاح فولین و ریشه آن طی دوره تانگ، رک: Lieu 2009, 236-245.

^{۲۲}. برای اصطلاح فولین طی دوره سونگ، رک: Hirth 1909. برای دیدگاهی جدیدتر رک: Xu Hialing.

^{۲۳}. دا شولینگ در لغت به معنی سر - گردن بزرگ است. شولینگ اصطلاحی عمومی برای اشاره به سرکرده قبایل، اتحادیه قبایل یا حتی خاقانات است.

^{۲۴}. در تصحیح پکن کتاب ژو زیژی تونگجیان چانگجیان هر دو نام به عنوان نام فرمانده اصلی به کار رفته و به صورت نِسیدولینگ سیمنگیا نوشته شده است. با این حال، هرث (1909, 29-30) حدس زده که این نام ممکن است به یک یا دو نفر اشاره داشته باشد. او این نام را نِسیدولینگ سیمنگ احتمالاً مخفف «سیمئون نسطوری» یا «نسطوریوس و سیمئون» خوانده است. او به آخرین عبارت یعنی بان به عنوان بخشی از نام بی توجه است. در عوض برای بان معنای مشابه «مشارکت» (panguan) یا فرمانده همراه (وابسته) را ارائه می دهد. فرض او بر این است که این حکام یعنی نسطوریوس و سیمئون می توانسته اند به طور مشترک آمده باشند یا حاکم از سوی سیمئون همراهی شده باشد. من از حضور نسطوریان در نظام اداری سلجوقیان آگاهی ندارم. دست کم سلجوقیان روم از آن ها به عنوان حاکم استفاده نکرده اند و گمان نمی کنم که آن ها را به عنوان سفیر فرستاده باشند. شیراتوری کوراکچی پژوهشگر ژاپنی (۱۹۴۲-۱۸۶۵) حدس زده است که نِسیدو باید لقب رسمی سفیر باشد که نتوانسته آن را تشخیص بدهد و لینگ ممکن است به جای روم به کار رفته باشد. شیراتوری کوراکچی (1938, 1939, 62) بیان می کند که نام فرستاده سیمنگ می تواند ترجمه چینی برای عثمان یا سلیمان باشد و پان به جای لقب ترکی بگ/بی یا پاشا به کار رفته باشد. یانگ ژیانی (۱۹۱۵-۲۰۰۹) فرض می کند که نِسیدولینگ از لقب افتخارآمیز اشرافی ارباب و سیمنگان نیز سیمون دو منفورت است. یانگ ژیانی (1983, 213-14) بر این باور است که او باید از سوی امپراتور بیزانس به عنوان سفیر انتخاب شده باشد. با این حال هیچ گزارش تاریخی برای تأیید این نظر وجود ندارد. از نظر من حاکم (دا شولینگ) نیسی به جای نصر و سیمنگیان به جای عثمان بی می تواند در نظر گرفته شود.

^{۲۵}. زی داسی، قراخانیان غربی.

سنگتان و فولین: سلجوقیان در منابع چینی ۵۳

^{۲۶}. به احتمال زیاد ژین فوژو به ژینفوژ پایتخت معاصر پادشاهی یوتین که ختن جدید است، اشاره دارد.

^{۲۷}. قراخانیان شرقی.

^{۲۸}. تقسیم دولت ختن به دو بخش قدیم و جدید نامفهوم است. به باور من ختن جدید می‌تواند نواحی درونی قراخانیان شرقی به مرکزیت بلاساغون و کاشغر باشد. ختن قدیم نیز به قلمرو سابق پادشاهی ختن که در سده یازدهم توسط قراخانیان تسخیر شد و به‌عنوان تابع و متحد قراخانیان شناخته می‌شد، اشاره دارد.

^{۲۹}. ژوچانگ، یوئه‌چانگ است، شهری نزدیک چرچن کنونی یا بخش قیمو در ژینجیانگ.

^{۳۰}. هانگتو هوئه، اویغورهای مو بور به‌عنوان طایفه‌ای از گانژو، اویغورها بودند که در سده دهم خاقانات قانسو را تأسیس کردند. رک: (Horlemann 2007, 89-93).

^{۳۱}. دادا نامی است که از دوره تانگ برای مردمان مغولی زبان استپ‌های شمالی به کار برده می‌شد.

^{۳۲}. چونگول [ژونگولو]، از جمله طوایف ترک که هنوز نامش در میان یوگورهای جدید به کار می‌رود.

^{۳۳}. دونگژانر (۸۳-۱۰۳۲) دومین رهبر اتحادیه تسونگخای تبتی‌ها بود که به‌وسیله پدرش گوسیلو (۹۹۷-۱۰۶۵) در کینقای کنونی و بخشی از قانسو تأسیس شد. دونگژان مناطق شمالی رودخانه زرد را فتح کرد و از این مناطق در متن یاد شده است.

^{۳۴}. مکان دقیق شهر لینگین مشخص نیست. می‌تواند جزو قلمرو تسونگخا بوده باشد.

^{۳۵}. قینگتانگ مکانی نزدیک ژینینگ امروزی و متعلق به اتحادیه تسونگخا است.

^{۳۶}. ملک روم قیصر (سزار). سفرای فولین در ۱۰۸۱ و ۱۰۹۱ م. گسیل شده بودند. در آن زمان سلیمان بن قُتلمِش (۸۶-۱۰۷۷) مؤسس این سلسله و یکی از بستگانش ابوالقاسم (۹۲-۱۰۸۶) حاکم سلجوقیان روم بودند. در سونگ شی این نام با اندکی تفاوت به صورت میلیئی لینگ گایسا ذکر شده است. (Song shi 490. 14124) هِرت (1909, 25, 27-28) حدس زده است که میلیئی نام نیکفوروس میلسینوس لقب امپراتور بیزانس در آن زمان بوده است. لینگ برگردان ناقص روم و گایسا به‌جای قیصر یونانی (سزار) بوده است. شیراتوری کوراکچی (1938-1939, 61-62) میلیئی لینگ را لقب سلجوقی ملک روم و گایسا را لقب اسلامی غازی در نظر گرفته است. همچنین فرض من بر این است که میلیئی به احتمال زیاد نشان‌دهنده واژه مَلِک (پادشاه) است. لقبی به معنی

«امپراتور روم» پیش از این در دربار چین به شکل ترکی «روم قیصر» به جای فارسی آن «قیصر روم» به کار رفته است. متأسفانه ما هیچ مدرک معتبری برای القاب سلطنتی سلجوقیان روم تا اواسط سده دوازدهم برای تأیید این لقب در اختیار نداریم. با این حال، سلطان سلجوقی روم در وهله اول به عنوان حکمران قلمرو متعلق به «امپراتور روم» معرفی می‌شد. به علاوه، سلیمان بن قتلمش از نیکفوروس میلسنوس در به دست آوردن تاج و تخت بیزانس و کسب لقب «قیصر» یاری رساند و سلیمان به عنوان حامی او می‌توانست خود را «سلطان قیصر روم» بخواند.

^{۳۷} بازدید حاکم فولین از آنچه معبد نامیده شده در واقع مسجد است و اشاره به میلاد پیامبر اسلام (ص) است که در تقویم اسلامی در ربیع‌الاول، ماه سوم، جشن گرفته می‌شود.

^{۳۸} به اقطاع اشاره دارد.

^{۳۹} به نظر می‌رسد این توصیف با مجازات رومی - بیزانسی پوئنا - کولی (از عبارت لاتین «مجازات گونی») مطابقت دارد. به احتمال زیاد قوانین بیزانسی بر فقه سلجوقی تأثیر گذاشته است. برای تأثیر نیرومند یونان بر سلاجقه روم، رک: (Korobeinikov 2014, 289-297) همچنین این مجازات در دوره عثمانی عمدتاً برای زنان به کار برده می‌شد. این امر به یک تابوی قدیمی ترکی - مغولی درباره ریختن خون زنان باز می‌گشت. (Peters 2005, 101)

^{۴۰} هوقین اصطلاحی عمومی برای کمانچه چینی است و در واقع «ساز زهی بیگانگان» است. نام هوقین طی دوره سلسله سونگ (۹۶۰-۱۲۷۹) در چین پدیدار شد. ظاهراً این ساز توسط مردمان کوچ‌نشین اطراف وارد چین شده است.

^{۴۱} بیلی یک نی چینی [ساز بادی متشکل از دو نی] است که احتمالاً با زورنا [سورنا]ی آسیای میانه مربوط است.

^{۴۲} میلفو، میترا است، بودایی که بعد از شاکيامونی خواهد آمد. اصطلاحی مشابه به عنوان یک معبد بودایی (فُسی) در متن به یک مسجد اسلامی، مسجدالنبی، اشاره دارد که در منابع سونگ به صورت بودایی ذکر شده است. در واقع میترا به عنوان جانشین بودا، به خلیفه به عنوان جانشین پیامبر اشاره دارد. رک: Hirth and Rockhill, 1911, 124.

^{۴۳} برای توصیف فولین در منابع دوره تانگ، رک:

Hirth, 1885, 51-61; Leslie and Gardiner 1996, 113, 281-282.